

ساخت مقیاس برای سنجش رفاه اجتماعی با تأکید بر رفاه ذهنی (احساس رفاه)

عزت‌اله سام‌آرام*

رضا محبوبی**

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۲۱

چکیده

به دنبال چرخش پارادایمی، در گفتمان رفاه اجتماعی و توجه به ابعاد ذهنی رفاه، موضوع ساخت مقیاس برای سنجش احساس رفاه اجتماعی، بعنوان یکی از ابعاد مهم رفاه اجتماعی بیش از پیش اهمیت یافته است و این در حالی است که تاکنون اقدام بایسته‌ای برای ساخت ابزار سنجش احساس رفاه اجتماعی صورت نگرفته است.

e_samaram@yahoo.com
reza_mahbobi@yahoo.com

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
** دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

در این تحقیق پس از ساخت مدل مفهومی برای تبیین رفاه ذهنی؛ نسبت به طراحی ابزار سنجش (پرسشنامه‌ای با ۶۶ سؤال و گویه) برای اندازه‌گیری احساس رفاه اجتماعی اقدام شد.

پرسشنامه بصورت آزمایشی در شهر ارومیه با ۵۱ نمونه آماری که بصورت تصادفی انتخاب شده بودند، مورد اجرا قرار گرفت، و نتایج آزمون‌های آماری نشان داد که: مقدار KMO محاسبه شده ابزار سنجش نزدیک ۰/۷ بود (۰/۶۹۶) و نتیجه آزمون بارتلت نیز در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۱ معنی‌دار بوده است. همچنین محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای ابزار سنجش نشان داد مقدار این ضریب بیش از ۰/۷ بوده است ($Cronbach's\ Alpha = 0.856$). پس، براساس همه روش‌های اعتبار سنجی اعم از اعتبار محتوا و اعتبار مبتنی بر ملاک (همزمان) و اعتبار سازه‌ای (مبتنی بر آزمون آماری پیشرفته تحلیل عاملی) و نیز ضریب آلفای کرونباخ، ابزار ساخته شده برای سنجش احساس رفاه اجتماعی (پس از حذف ۱۸ گویه از مجموع ۶۶ گویه)، مجموعاً با ۴۸ سؤال و گویه از اعتبار-روایی (validity) و اعتماد-پایایی (reliability) لازم برخوردار بوده است.

واژه‌های کلیدی: رفاه ذهنی، مقیاس رفاه، اعتبار ابزار سنجش رفاه، پایایی

ابزار سنجش رفاه

طرح مسئله

با تشکیک جدی درخصوص وجود تفاوت‌های بنیادی، بین متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی و نارسایی شاخص‌های اقتصادی، برای توضیح وضع اجتماعی و بویژه وضعیت رفاهی مردم، کوشش‌هایی برای ساخت شاخص‌های اجتماعی از اوایل دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و در سیر تکاملی خود مفاهیم گوناگونی را به جامعه متخصصان ارائه داد که از آن جمله می‌توان به مفاهیمی نظیر «حسابداری اجتماعی»، «ترازنامه

۳ ساخت مقیاس برای سنجش رفاه اجتماعی ...

اجتماعی»، «رفاه قابل اندازه‌گیری»، «سطح زندگی»، «کیفیت زندگی»، «تابع رفاه»، «مطلوبیت»، «تابع رجحان» و... اشاره کرد.

به دنبال جنبش شاخص‌های اجتماعی که از اوایل دهه ۶۰ میلادی توسط ریموند بائر^۱ (وقبل از وی توسط دانیل بل^۲) آغاز شد، کوشش‌هایی - بویژه در سطح بین‌المللی - به منظور شاخص‌سازی برای رفاه اجتماعی و اندازه‌گیری آن صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به اقدامات پروفیسور «یان درونوفسکی»^۳ استاد مطالعات اجتماعی هلند برای مؤسسه توسعه اجتماعی سازمان ملل متحد در ژنو اشاره کرد (اشرف، ۱۳۵۵: ۱۱).

وی با انجام محاسبات ریاضی و استدلال‌های منطقی سعی کرد مجموعه‌ای از اجزاء، نمایانگرها و وزن هر یک از آنها در تشکیل تابع رفاه را تهیه نموده و یک شاخص کلی برای اندازه‌گیری رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن نقاط مهم برای هر یک از نمایانگرها (از جمله نقطه صفر - مرز فقر و نقطه فراوانی) را تهیه کرد و از آن زمان تاکنون نیز تلاش‌های زیادی برای کمی‌سازی این متغیر اجتماعی صورت گرفته، اما نکته مهم اینجاست که در مجموعه مؤلفه‌هایی که توسط وی و دیگر اندیشمندان در این حوزه پیشنهاد شده به عوامل غیر مادی و غیرفیزیکی رفاه توجهی نشده است.

وی حدود ۲۷ مؤلفه برای اندازه‌گیری رفاه اجتماعی (کیفیت زندگی) پیشنهاد داده است. در برخی منابع، شاخص‌های امنیت اجتماعی، اشتغال و درآمد، رفاه اجتماعی هم به آنها افزوده شده (لطیفی، ۱۳۸۹: ۸۴) و در منابعی دیگر براساس مطالعات انجام یافته ۲۲۱ شاخص ساده و ترکیبی که هر یک به نوعی رفاه اجتماعی را توضیح می‌دهند، استخراج و ویژگی‌های آنها مورد بحث قرار گرفته است (موسوی و محمدی، ۱۳۸۸:

-
1. Raymond Bauer
 2. Daniel Bell
 3. Jan Drewnowski

۳۱۹؛ لیکن بررسی‌ها نشان می‌دهد در کمتر منبعی راجع به تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی و مشخصاً متغیرهای رفاه ذهنی بحث شده باشد.

امروزه چه از دیدگاه صاحب نظرانی، که با رویکردی فردگرایانه و در سطح خرد به تبیین و تحلیل رفاه اجتماعی می‌پردازند (نظیر شارپ، ۱۹۹۹) و چه از دیدگاه صاحب نظرانی که با استفاده از متغیرهای کلان به تبیین و تحلیل رفاه اجتماعی می‌پردازند (مانند صاحب نظرانی که معیارهای توسعه را برای نشان دادن وضعیت رفاهی پیشنهاد می‌کنند) بر نارسایی معیارهای صرفاً کمی و مادی برای سنجش رفاه تأکید می‌شود.

البته قصد ما از نقد روش‌های کمی و اقتصادی در اندازه‌گیری رفاه به هیچ وجه به معنی کم اهمیت جلوه دادن این روش‌ها نیست، چه اینکه روش‌های مذکور که خوشبختانه توسعه قابل ملاحظه‌ای هم یافته‌اند و از بنیادهای فلسفی و منطق ریاضی قوی‌تری هم نسبت به گذشته برخوردار شده‌اند، در مجموع ابزار نسبتاً کارآمدی برای توجیه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی به شمار می‌روند و اصولاً امروزه منطق عدد و رقم و استدلال‌های اقتصادی و ریاضی جایگاه منحصر به فردی در محافل برنامه‌ریزی و نظام‌های سیاسی دارد؛ لیکن هدف ما از طرح این مباحث آن است که باید در کنار معیارها و فاکتورهای کمی و اقتصادی برای نشان دادن وضعیت رفاهی مردم، عوامل دیگری از جنس عوامل فرهنگی را نیز وارد نماییم تا کارایی و جامعیت شاخص‌های اندازه‌گیری رفاه را ارتقاء بخشیده و با موضوع رفاه اجتماعی به صورت واقع بینانه‌تر برخورد نماییم؛ ضمن اینکه در این مسیر باید توجه داشته باشیم که نتیجه اقدامات ما، منجر به صدور بیانیه‌های اخلاقی برای افزایش رفاه اجتماعی مردم آنهم از طریق توصیه‌های فرهنگی مبنی بر ساده زیستی و... نشود.

هدف

هدف اصلی این تحقیق فراهم ساختن مقیاسی برای سنجش «احساس رفاه اجتماعی» است. پس در این مقاله تلاش کرده‌ایم، ضمن تعریف «رفاه ذهنی» و متغیرهای تشکیل

دهنده آن، مدل مفهومی رفاه ذهنی را ترسیم و معرف‌هایی را برای سنجش احساس رفاه اجتماعی معرفی نماییم و در نهایت پرسشنامه (ابزار سنجش) را بر مبنای این مدل طراحی و نسبت به سنجش روایی و پایایی آن با استفاده از آزمون‌های آماری مربوطه اقدام نموده‌ایم.

پیشینه

گفتمان مسلط رفاه اجتماعی تا دهه‌های اخیر و تا قبل از "چرخش فرهنگی" در نظریه اجتماعی در دهه ۱۹۷۰، "گفتمان مادی" بوده و تنها مقولات مادی، کمی، عینی، سنجش پذیر و اقتصادی به مثابه عوامل مولد یا مانع رفاه اجتماعی جامعه یا گروه‌های اجتماعی خاص محسوب می‌شده است (فاضلی، ۱۳۸۷: ۴) و به همین دلیل در اکثر کوشش‌هایی که برای ساخت شاخص‌های اجتماعی (و شاخص‌های رفاه اجتماعی) صورت گرفته است (مثل تلاش‌های درونوفسکی و دیگران) به متغیرهای غیرمادی توجهی نشده است.

در نتیجه تحولات اجتماعی و معرفتی که از دهه ۱۹۷۰ به بعد و ظهور، گسترش و اهمیت یافتن مفاهیم و مقولاتی مانند سیاست فرهنگی، برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی، شهروندی فرهنگی، حقوق فرهنگی، دموکراسی فرهنگی، حقوق بشر، حقوق اقلیت‌ها، مشارکت سیاسی، و همچنین بسیاری مفاهیم و مقولات مشابه دیگر در مباحث سیاست عمومی، سیاست اجتماعی و سیاست رفاهی، باعث نوعی چرخش پارادایمی در گفتمان رفاهی در سطح جهانی و بخصوص در جوامع توسعه یافته غربی شده است که می‌توان آن را فرهنگی شدن گفتمان رفاه نامید (همان: ۱۰).

پس با وجود این چرخش پارادایمی، از آنجا که ره آورد توسعه این گفتمان در حوزه روش‌شناسی، عمدتاً به توسعه روش‌های تحقیق «کیفی» انجامیده است بازهم در زمینه طراحی مدل‌های ریاضی مبتنی بر منطق آماری برای ساخت شاخص‌هایی جهت

سنجش رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن متغیرهای فرهنگی (غیرمادی) دستاورد قابل توجهی به بار نیاورده است.

بررسی‌های ما در این زمینه نشان می‌دهد که تقریباً در هیچ یک از منابع داخلی در خصوص شیوه‌های سنجش رفاه ذهنی (یا همان احساس رفاه اجتماعی) تحقیق خاصی صورت نگرفته است و در تحقیقات و پژوهش‌هایی که به منظور سنجش رفاه اجتماعی (در معنای عام کلمه) نیز صورت گرفته است، اساساً به متغیرهای غیرمادی توجهی نشده است. از میان اندک تحقیقاتی که در زمینه سنجش رفاه اجتماعی در پایگاه‌های اطلاعات علمی کشور^۱ نمایه شده‌اند موارد زیر قابل ذکر هستند:

محمد لشگری^۲ (۱۳۷۶) طی مقاله‌ای با عنوان «شاخص‌های رفاه اجتماعی» اعلام می‌دارد که: شاخص‌های رفاه اجتماعی را می‌توان به دو گروه شاخص‌های کمی و شاخص‌های کیفی تقسیم بندی کرد و در معرفی شاخص‌های کمی رفاه اجتماعی به متغیرهایی نظیر: اشتغال کامل، تولید (درآمد) سرانه، امید به زندگی در بدو تولد، نرخ باسوادی، هزینه‌های بهداشت و درمان و... اشاره می‌کند و با تأکید بر نقش «توزیع درآمد در رفاه اجتماعی»، محاسبات بکاررفته در منحنی لورنز را روش مناسبی برای توضیح وضعیت رفاهی جامعه معرفی می‌کند. وی همچنین در خصوص شاخص‌های کیفی رفاه اجتماعی نیز بدون ارائه مبانی نظری خاصی، متغیرهایی مثل آزادی انتخاب، آرمان‌های، اراده سیاسی، عزت نفس، ثبات و امنیت را پیشنهاد می‌نماید.

۱- از جمله پایگاه SID و IRANDOC و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (Noormags) و پورتال جامع علوم انسانی و سایر سایت‌ها و وبلاگ‌های تخصصی حوزه علوم اجتماعی.

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور نیشابور.

فریبرز رئیس دانا^۱ در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی چند الگوی نظری در اقتصاد رفاه» ضمن برشمردن مدل‌هایی که برای سنجش و نشان دادن میزان رفاه اجتماعی بکار می‌رود به الگوی بهینه پارتو (pareto)، آزمون کالدور- هیکس (Kaldor- Hicks) ، (Skitovsky & Kuznets) که (1939)، روش‌های پیشنهادی سکیتوفسکی و کوزنتس (Skitovsky & Kuznets) که برمبنای نقد آزمون کالدور- هیکس ارائه شده است، الگوی پیگو (pigou) شاخص‌های لاسپیرس- پاشه، دیدگاه میشان- داب، نظر موریس داب و نهایتاً به الگو یا شاخص توسعه انسانی برای سنجش میزان رفاه اجتماعی اشاره می‌کند. توجه به روش‌ها و منابع و داده‌های مورد بکار رفته در این مدل‌ها همگی حاکی از آن است که به متغیرهای غیرمادی توجهی صورت نگرفته است.

علی فیض زاده و سعید مدنی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی: شاخص‌شناسی برای تبیین و سنجش»^۲ ضمن ارائه اطلاعات مفیدی در خصوص سیر تحولات شاخص‌سازی اجتماعی در جهان، بیشتر به ضرورت‌ها و الزامات روش‌شناختی در تدوین شاخص‌های اجتماعی و کاربردهای آن در برنامه‌ریزی‌های توسعه پرداخته و نمونه‌ای از شاخص‌سازی برای سنجش رفاه در کشور کانادا را ارائه نموده و سپس به برخی از شاخص‌های مورد استفاده جهت سنجش وضعیت اجتماعی (رفاه اجتماعی) در ایران می‌پردازند و در این مطالعه نیز نشانی از متغیرهای غیرمادی برای سنجش رفاه اجتماعی به چشم نمی‌خورد.

در سایر پژوهش‌هایی که برای سنجش وضعیت رفاهی در ایران با استفاده از روش‌های گوناگون به انجام رسیده‌اند نیز تمامی متغیرهای بکار رفته از جنس متغیرهای عمدتاً اقتصادی هستند.^۳

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

۲- فصلنامه اقتصاد تأمین اجتماعی، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۹.

۳- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:

اما در برخی از تحقیقاتی که در کشورهای دیگر در خصوص سنجش رفاه اجتماعی صورت گرفته است بعضاً به رفاه ذهنی توجه شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

انریکو کولن باکو^۱ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای تحت عنوان: «قدرت باورهای دینی در بهزیستی (رفاه) ذهنی مهم است» براساس نتایج مطالعه‌ای باهدف بررسی تأثیر اعتقادات دینی در احساس رفاه (رفاه ذهنی)^۲ که بر روی نمونه‌ای ۳۵۴۶ نفره به انجام رسیده است اعلام می‌کند:

«قدرت باورهای دینی پیش‌بینی آماری قابل توجهی از رفاه ذهنی است. اعتقادات قوی تر با سطوح بالاتر از رفاه ذهنی در ارتباط است. وی نتیجه می‌گیرد که اعتقادات مذهبی ورفاه ذهنی ارتباط مثبت (مستقیم) با یکدیگر دارند. نتایج رگرسیون بین رفاه ذهنی و دینداری، رابطه مثبت بین زندگی دینی و رفاه ذهنی را تأیید می‌کند».

پروفسور مایر^۳ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان: «ارتباط پیچیده بین رفاه ذهنی و اعتقادات مذهبی» برخلاف سایر محققین استدلال می‌کند که میزان شادی (بعنوان اصلی‌ترین شاخص و نمایانگر رفاه ذهنی) در کشورهای با حاکمیت سکولار بیشتر از

- لطیفی، غلامرضا؛ سجادی قیداری، مجید. «رتبه بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان با استفاده از تکنیک Topsis»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۰

- تقوایی، مسعود؛ زنگی آبادی، علی؛ وارثی، حمیدرضا؛ اکبری، محمود. «سنجش رفاه در کلانشهر شیراز با استفاده از شاخص‌های کلارک و تابع رفاه اتکینسن»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۰

- عبدلی، قهرمان (عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران) و شیردل، رامین. «محاسبه وزن‌های رفاهی در مناطق ایران با استفاده از تابع رفاه اجتماعی برگسون-سامونلسون»، پژوهش‌نامه اقتصاد کلان، ۱۳۹۱

عبدی، جعفر؛ شهیکی تاش، محمدنی؛ درویشی، باقر. «تغییرات رفاه اجتماعی در ایران (رهیافت پارتویی و غیر پارتویی از تابع کاردینالی رفاه اجتماعی)»، فصلنامه سیاست‌های اقتصادی (نامه مفید)، ۱۳۹۱.

1. Enrique Colón-Bacó. Boston College, colonbac@bc.edu

2. subjective well-being

3. David G. Myers. Professor of Psychology , Hope College , Holland, Mich.

کشورهای دینی است. وی می‌گوید: با در نظر گرفتن شاخص‌های رفاه مانند: امید به زندگی، حس شادی، میزان تحصیلات و... در میابیم که کشورهایی مانند نروژ، سوئد و سوئیس بالاترین سطح رفاه ذهنی را برای شهروندان خود به ارمغان آورده‌اند. و در نقطه مقابل کشورهایی مانند چین، ویتنام و کره شمالی نتایج ناامید کننده‌ای را ثبت نموده‌اند.

به اعتقاد ما، این نظریه حتی در کشور ایالات متحده آمریکا (به عنوان کشوری صنعتی و غنی) نیز صادق است. از نظر او چون ایالات جنوبی آمریکا در مقایسه با ایالات شمالی این کشور جامعه‌ای مذهبی تر بوده و از طرفی آمار خودکشی، بارداری نوجوانان، مصرف سیگار و... در این ایالات (یعنی ایالات جنوبی) بیشتر است، پس نتیجه گرفته است که رفاه ذهنی با شاخص‌هایی که در بالا ذکر شد رابطه معکوسی با مذهبی بودن دارد یعنی هرچه بر میزان مذهبی بودن جامعه افزوده می‌شود میزان احساس رفاه (یا همان رفاه ذهنی) کاهش می‌یابد.

در این منابع نیز رهیافت مشخص و روش شناسانه‌ای برای سنجش رفاه ذهنی صورت نگرفته و اصولاً برای این امر شاخص سازی نشده است.

چارچوب نظری و مدل مفهومی متغیر «احساس رفاه»

به عقیده لوئیس کوزر^۱ (۱۹۱۳) کار جرج هربرت مید^۲ (۱۹۳۱ - ۱۸۶۳) در زمینه تئوری کنش متقابل نمادی برآنچه زیمل^۳ (۱۹۱۸ - ۱۸۵۸) «سفسطه جدایی» خوانده بود، یعنی در نظر گرفتن کنشگران بدون ارجاع به روابط متقابل و گوناگون شان، نقطه پایان گذاشت و یک چنین چشم‌اندازی به کنش بشری، اکنون دیگر خصلت ضروری هر گونه تفکر جامعه شناختی به شمار می‌آید (کوزر، ۱۳۷۹: ۴۵۳-۴۵۲).

1. Coser , Lewis Alfred
2. George Herbert Mead
3. Georg Simmel

بطور خلاصه و در حدی که به اهداف تحقیق حاضر مربوط می‌شود باید گفت که: اولاً این بینش جامعه‌شناسانه بینشی معناکاو و ذهن‌گراست و به برداشت‌های ذهنی و تحلیل‌های متکی بر فرد از واقعیت‌های اجتماعی و رفتارهای دیگران بهای بسیار زیادی می‌دهد (تاجایی که منتقدان این نوع بینش، این مقدار از ذهن‌گرایی و تکیه بر برداشت‌های فردی را در این نظریه، یکی از نقاط ضعف آن می‌دانند چرا که ساخت‌های جامعه در این رویکرد کاملاً نادیده گرفته می‌شوند؛ (توسلی، ۱۳۷۹: ۳۲۷). ثانیاً مبنای فلسفی این دیدگاه آن است که جهان اجتماعی ما چیزی جز نظام گسترده‌ای از معانی متکثری که براساس درک و تفسیر ما از رفتارهای دیگران شکل می‌گرفته و اعمال و رفتار و کنش‌های ما را شکل می‌دهد نیست.

طبق دیدگاه کنش متقابل نمادی، اشیاء در سه طبقه اشیاء فیزیکی، اشیاء اجتماعی و اشیاء انتزاعی دسته بندی می‌شوند، از نظر بلومر، اشیاء یا طبیعی‌اند (مثل درخت و دوچرخه)، یا اشیاء اجتماعی هستند (مثل محصل، مادر و...) و یا اشیاء مطلق و انتزاعی‌اند (مثل اصول اخلاقی و...). و ماهیت شیء متمرکز در معنایی است که برای شخص دارد و نه در خود آن. در این سنت به فراگردهای ذهنی انسان تأکید می‌شود و دقیقاً به همین دلیل است که ما اعتقاد داریم که بر مبنای نظریه یا تئوری کنش متقابل نمادی درک افراد از موضوع رفاه اجتماعی درک واحدی نیست و هرکس بر مبنای ذهن خود، درک متفاوتی از این واقعیت اجتماعی دارد و پس در ساخت شاخص برای سنجش رفاه باید به این فراگردهای ذهنی نیز توجه شود.

علیرغم گستردگی مبحث رفاه اجتماعی و عدم وجود اجماع در تعریف آن و نبود شاخص‌های مشخص و معیارهای اندازه‌گیری رفاه اجتماعی، در چند دهه اخیر صاحب نظران نشان دادند که رفاه اجتماعی تنها به موضوع اقتصادی مرتبط نمی‌شود، بلکه مفاهیمی نظیر «احساس شادکامی و سرزندگی»، «امید به آینده»، «اعتماد اجتماعی»، «احساس محرومیت نسبی»، «رضامندی»، «احساس امنیت» و موارد دیگری را دربر می‌گیرد که تحت عنوان بُعد غیرمادی رفاه اجتماعی قابل بررسی است (هزارجریبی،

۱۳۹۱: ۸۹) و شاخص عینی رفاه نباید نفی لذت^۱ و پرهیز از ارضاء تمایلات^۲، بعنوان عناصر تشکیل دهنده رفاه را انکار کند (موسوی و محمدی، ۱۳۸۸: ۲۰۰) پس به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین مباحث در زمینه رفاه اجتماعی، امروزه، رفاه ذهنی است. این امر بویژه با توجه به نظریه کُنش متقابل نمادی که فهم ما از محیط اطرف و احساس ما نسبت به واقعیت‌های پیرامون‌مان را عنصر اصلی در شناخت ما می‌داند و همین شناخت است که مبنای قضاوت‌ها و رفتارهای روزمره ما را تشکیل می‌دهد، از اهمیت مضاعفی برخوردار می‌شود.

در زمینه رفاه ذهنی، اندیشمندانی مثل: فوردیس (۲۰۰۰)، آرچیل (۲۰۰۱)، دینر (۲۰۰۵)، برونو و پورتا (۲۰۰۷)، کانسیکو و برنادو (۲۰۰۸) مطالبی را بطور مستقیم و یا در رابطه با ابعاد شناخته شده رفاه ذهنی (مثل شادکامی و رضایت از زندگی) بیان داشته‌اند (هزارجریبی، ۱۳۹۱: ۳۹-۳۵) که در این میان تعریف و تقسیم بندی دینر (۲۰۰۵) از بقیه معروف‌تر و مهم‌تر است. از نگاه وی، رفاه ذهنی شامل تمامی ارزیابی‌های مثبت و منفی‌ایی می‌شود که مردم در مورد زندگی‌شان انجام می‌دهند. رفاه ذهنی شامل ارزیابی‌های بازتابی شناختی همچون رضایت از زندگی، رضایت شغلی، علاقه و تعهدات و همچنین شامل واکنش‌های عاطفی در برابر وقایع زندگی همچون شادی یا ناراحتی می‌باشد (دینر، ۲۰۰۵: ۳ و ۲؛ به نقل از تمیزی فر، ۱۳۸۹).

فیتزپتریک در کتاب «نظریه رفاه» چشم اندازه‌های اصلی رفاه را «شادکامی، تأمین، ترجیحات، نیازها، استحقاق و مقایسه‌های نسبی» معرفی کرده (فیتز پتریک، ۱۳۸۳: ۱۹) پس، یکی از کانونی‌ترین مباحث در زمینه احساس رفاه اجتماعی (دست کم در زمینه رفاه اجتماعی از بُعد فردی و جنبه ذهنی رفاه)، «برآورده شدن نیازها» است و دیگر مفاهیم کانونی و مهم در زمینه رفاه ذهنی شامل «رضایت از زندگی»، «احساس شادکامی و نشاط» می‌باشند.

-
1. Enjoyment
 2. Desire satisfaction

بر مبنای تعاریفی که در نظریه‌های گوناگون در خصوص ابعاد و مؤلفه‌های رفاه اجتماعی وجود دارد، مدل مفهومی رفاه ذهنی (احساس رفاه) را می‌توان به شکل زیر در نظر گرفت:

جدول ۱- مدل مفهومی رفاه ذهنی

مؤلفه‌ها	ابعاد	جنبه
برخورداری از سلامت	نیازهای فیزیولوژیک	ارضاء نیاز
عزت نفس / خودارزشمندی	نیازهای روحی روانی	
ترجیحات	رضایت از زندگی	شناختی
استحقاق		
مقایسه‌های نسبی		
احساس برابری و عدالت		
خوشبختی و شادکامی	احساسات هیجانی ماندگار	عاطفی
امید به آینده		
اعتماد و مقبولیت اجتماعی		

ساخت مقیاس سنجش

برای ساخت مقیاس سنجش باید پس از تعریف نظری متغیر مورد نظر، بر مبنای مدل مفهومی نسبت به تعریف عملیاتی ابعاد هر مؤلفه اقدام نمود و نهایتاً نسبت به طراحی سؤالات و گویه‌ها مبادرت کرد.

همانطور که در مدل بالا دیده می‌شود، ارضاء نیاز منجر به شکل‌گیری و حصول دو بُعد مهم از ابعاد احساس رفاه اجتماعی می‌گردد که عبارتند از: سلامت (که اغلب از

طریق تأمین نیازهای فیزیولوژیک حاصل می‌شود) و عزت نفس و خودارزشمندی (که در اثر تأمین نیازهای روحی و عاطفی حاصل می‌گردد).

- سازمان بهداشت جهانی^۱ (۱۹۴۸) سلامتی را: برخورداری از رفاه (آسایش) کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه فقط نداشتن بیماری و نقص عضو معرفی می‌کند (مطلق و همکاران. ۱۳۸۷: ۴۱). معمول ترین بُعد سلامتی، سلامت جسمی است که نسبت به ابعاد دیگر سلامتی ساده‌تر می‌توان آن را ارزیابی کرد. سلامت جسمی در حقیقت ناشی از عملکرد درست اعضاء بدن است. از نظر بیولوژیکی عمل مناسب سلول‌ها و اعضاء بدن و هماهنگی آنها با هم نشانه سلامت جسمی است.

از آنجا که در ساخت مقیاس سنجش احساس رفاه اصولاً ما به دنبال پی بردن به تلقی افراد از میزان سلامتی و تندرستی خودشان هستیم پس از بکار بردن روش‌هایی که از نظر پزشکی بطور کامل میزان سلامت جسمی و روانی افراد را می‌سنجند پرهیز کرده و از فرم کوتاه پرسشنامه زمینه‌یابی سلامت (SF-۳۶)^۲، که اعتبار و پایایی آن در جامعه ایران نیز به اثبات رسیده است، با انجام اصلاحاتی جزئی استفاده خواهیم کرد.

- عزت نفس: ارزشیابی فرد در مورد خود یا قضاوت فرد در مورد ارزش خود را عزت نفس می‌نامند (کوپر اسمیت ۱۹۶۷). عزت نفس عبارت است از احساس ارزشمند بودن. این حس از مجموع افکار، احساس‌ها، عواطف و تجربیاتمان در طول زندگی ناشی می‌شود: احساس می‌کنیم که شخصی منفور یا دوست داشتنی هستیم؛ خود را دوست داریم یا نداریم (هریس کلمز، امینه کلارک ۱۹۲۹؛ به نقل از علیپور، پروین. ۱۳۷۵).

برای عملیاتی کردن مفهوم عزت نفس، که در واقع بخشی از احساس رفاه پاسخگویان را نشان خواهد داد، پرسشنامه‌های متعددی طراحی شده است که از آن

1. World Health Organization = W.H.O.

2. Short-Form Health Survey questionnaire

جمله می‌توان به مقیاس عزت نفس روزنبرگ، پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت، مقیاس عزت نفس ژاندا، خودپنداره سارا سوت، مقیاس خودپنداره راجرز، پرسشنامه رغبت میشل گوکلن و... اشاره کرد (گنجی، ۱۳۸۰: ۴۷).

ما در اینجا با توجه به اهداف تحقیق و بررسی گویه‌ها و کاربردهای مقیاس‌های گوناگون، بخش‌هایی از مقیاس کوپر اسمیت (تجدید نظر شده) و مقیاس عزت نفس روزنبرگ را برای شناخت میزان عزت نفس، بعنوان بخشی از احساس رفاه، مورد استفاده قرار داده‌ایم.

- ترجیحات: به معنای آرزوهای برآورده شده یا تمایل افراد به هزینه کردن در زمینه‌ای خاص اشاره دارد، مسلماً این فرض معقولی است که بگوییم شخصی که ترجیحاتش تحقق یافته است، از شخصی که آرزوهایش برآورده نشده است، از رفاه بیشتری برخوردار است. جاذبه رفاه در این معنا این است که مفهومی عرضه می‌دارد که بالقوه قابل اندازه‌گیری است (پتريک، ۱۳۸۳: ۲۲) برای سنجش این شاخص نیز از تعداد محدودی پرسش در سطح سنجش رتبه‌ای استفاده شد.

- استحقاق: بر نقطه‌ای متعادل بین مشارکت و پاداش دلالت دارد. در اینجا به راحتی می‌توان استدلال کرد که رفاه کاملاً به استحقاق مربوط است. بنابراین، شخصی که کمتر از استحقاقش دریافت کند، از شخصی که به تناسب مشارکتش دریافت می‌کند، از رفاه و بهروزی کمتری برخوردار است (همان: ۲۵). این شاخص از طریق معرف‌هایی که به شکل گویه در مقیاس طیف لیکرت تنظیم می‌شوند، اندازه‌گیری خواهد شد.

- مقایسه‌های نسبی: «رفاه» به نوعی با این خصلت آدمی که خود را مرتباً با دیگران مقایسه می‌کند پیوند دارد. در عالم واقع، سطح رفاه من کاملاً به سطح رفاه همگنان من، یعنی کسانی که خود را با آنها مقایسه می‌کنم، وابسته است (همان: ۲۶).

این شاخص در کنار شاخص بالا (استحقاق) می‌تواند بخشی از احساس رفاه را اندازه‌گیری نمایند و برای سنجش آن، دیدگاه افراد در خصوص میزان رعایت عدالت و

استحقاق در شئون گوناگون زندگی مورد پرسش واقع می‌شود و برای عملیاتی کردن این شاخص نیز با استفاده از گویه‌های گوناگون در مقیاس ترتیبی پنجگانه طیف لیکرت اقدام می‌گردد.

- برابری / احساس عدالت: در واقع می‌توان ادعا کرد که مفاهیم استحقاق و مقایسه‌های نسبی روی دیگر سکه « عدالت توزیعی» هستند. عدالت توزیعی ناظر به تکالیف دولت در برابر مردم است و چگونگی توزیع مشاغل، مناصب و اموال عمومی را معین می‌کند. لوندال (۱۹۷۶) عدالت توزیعی را از دیدگاه افرادی که عمل تخصیص را انجام می‌دهند مورد بحث قرار داده است. مدل قضاوت عادلانه لوندال، یک نگرش فعالانه‌تری را نسبت به تئوری برابری در نظر می‌گیرد (مؤمنی، ۱۳۸۵: ۱۸).

- خوشبختی و شادکامی: حالتی که غالباً بعنوان رضایت یا خرسندی از آن یاد می‌شود. یونانیان باستان این حالت را eudaimonia می‌نامیدند، که ترجمه آن «خوب بودن و خوب عمل کردن» است (پتريک، ۱۳۸۳: ۲۰). احساس نشاط به احساسات مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی مربوط می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که نشاط، عواطف مثبت، تعادل عاطفی و رضایت خاطر عوامل شخصیتی هستند که با هم همبستگی بالایی دارند (آرجیل، ۲۰۰۱: ۱۶-۸).

برای عملیاتی کردن این مفاهیم و اندازه‌گیری شادکامی ابزارها و روش‌های گوناگونی وجود دارد؛ برخی از ابزارهای پرسشنامه که برای اندازه‌گیری شادکامی به کار می‌روند عبارتند از پرسشنامه حالات شخصی^۱ که توسط برنر و مارتین (۱۹۹۵) تهیه شده، پرسشنامه شخصیتی آیزنگ^۲، پرسشنامه نئو^۳ و پرسشنامه شادکامی آکسفورد^۴ که در بین آنها پرسشنامه شادکامی آکسفورد جایگاه ویژه‌ای دارد. پس برای اندازه‌گیری

1. personal states questionnaire
2. Eysenk personality inventory
3. NEO personality inventory
4. OHI

شاخص مذکور از برخی از مفاد و سؤالات پرسشنامه شادکامی آکسفورد با تغییراتی متناسب با هنجارهای جامعه ایران استفاده شد.

- امید به آینده: «امید» در لغتنامه دهخدا، «به چیزی چشم داشتن» معنا شده است. در زبان انگلیسی کلمه hope به معنای مجموعه‌ای از آرزوها یا انتظارات است که در آینده به وقوع خواهد پیوست. ویکتور فرانکل در باب معنای امید می‌نویسد: «چیزی یا کسی که فرد را منتظر آینده می‌سازد» (فرانکل، ۱۳۶۴: ۵۹). از دیدگاه فیتزپتریک که یکی از صاحب نظران رفاه اجتماعی به شمار می‌رود و چشم اندازهای رفاه را برشمرده است، یکی از نامزدهای بارز در عرصه‌های رفاهی، «تأمین»^۱ است که با مفهوم امید به آینده قرابت بسیار نزدیکی دارد. پتریک آنرا بعنوان یکی از شاخص‌های رفاه ذهنی این چنین تعریف می‌کند: تأمین به معنای پیش آگاهی از این امر است که اوضاع و احوال یک فرد در آینده نزدیک دستخوش نابسامانی نخواهد شد (پتریک، ۱۳۸۳: ۲۱). در پژوهش حاضر برای سنجش امید از پرسشنامه میلر (Miller) الگو گرفته شده است.

- اعتماد و مقبولیت اجتماعی: مقبولیت اجتماعی بیانگر ارزش، احترام و منزلتی است که برای یک فرد از سوی خانواده و جامعه در نظر گرفته می‌شود (ازکمپ، ۱۳۷۰: ۶۵-۶۱). برای سنجش این متغیر از گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت استفاده شد و از پاسخگویان خواسته شد که با توجه به ارزیابی از وضعیت خود به سؤالات پاسخ دهند.

با توجه به تعاریف عملیاتی بالا، برای اندازه‌گیری هر مؤلفه (شاخص) تعدادی معرف (به شرح جدول زیر) طراحی گردید و بدین ترتیب پرسشنامه‌ای با ۶۶ سؤال و گویه برای سنجش احساس رفاه اجتماعی طراحی شد.

جدول ۲- شاخص‌ها و معرف‌های متغیر «احساس رفاه اجتماعی»

شماره سؤالات مربوط در پرسشنامه	معرف‌ها	شاخص‌ها	ابعاد
سؤال‌های ۱ تا ۱۴	- ارزیابی فرد از میزان سلامتی خود - مقایسه وضعیت سلامتی فرد نسبت به گذشته - وجود یا عدم وجود مشکل جسمی و عاطفی در انجام فعالیت‌های روزانه	احساس سلامت	بیز فیزیولوژیکی
سؤال‌های ۱۵ تا ۲۴	- احساس با ارزش بودن و داشتن نگرش مثبت به خود - داشتن ویژگی‌های مثبت و مفید - احساس شکست و ناتوانی	عزت نفس	بیز روحمی روانی
سؤال‌های ۲۵ تا ۲۷	- ارزیابی فرد از میزان دستیابی به اهداف و تمایلات - میزان تحقق آرزوها و امکان تأمین خواسته‌های مشروع فرد	ترجیحات	رضایت از زندگی
سؤال‌های ۲۸ تا ۳۳	- ارزیابی فرد از میزان رعایت حق و عدالت در جامعه - ارزیابی فرد از میزان برخورداری مردم نسبت به شایستگی‌هایشان - دیدگاه فرد نسبت به طبقات فرادست	استحقاق	
سؤال‌های ۳۴ تا ۳۶	- ارزیابی فرد از برخورداریهای خود درمقایسه با دیگران - واکنش احساسی فرد نسبت به طبقات فرادست	مقایسه‌های نسبی	

سؤال‌های ۳۷ تا ۳۹	- دیدگاه فرد نسبت به میزان رعایت عدالت - دیدگاه فرد نسبت به میزان عمل به قانون	برابری	
سؤال‌های ۴۰ تا ۴۷	- میزان احساس خوشبختی و شادکامی - احساسات فرد در خصوص توانایی‌ها و روحیات خود - ارزیابی حالت‌های عاطفی فرد نسبت به دیگران	خوشبختی و شادکامی	
سؤال‌های ۴۸ تا ۵۰	- میزان امیدواری فرد نسبت به آینده - ارزیابی فرد از شرایط و وضعیت فعلی در مقایسه با گذشته	امید به آینده	
سؤال‌های ۵۴ تا ۵۶	- ارزیابی میزان اعتماد متقابل فرد با اعضای خانواده و نزدیکان - بررسی طرف‌های مشورت در تصمیمات مهم زندگی - ارزیابی فرد از میزان مقبولیتش در جامعه	اعتماد و مقبولیت اجتماعی	
<p>شایان ذکر است که برای محاسبه احساسات هیجانی علاوه بر اندازه‌گیری احساسات مثبت که در بالا بدان‌ها اشاره شد، در پرسشنامه اولیه تحقیق تعداد ۱۰ سؤال نیز برای اندازه‌گیری احساسات منفی، مثل اضطراب و استرس و احساس محرومیت در نظر گرفته شده بود، لیکن پس از انجام آزمون pretest و انجام آزمون‌های تحلیل عاملی و آلفای کرونباخ از متن پرسشنامه حذف شدند؛ بنابراین در این جدول ارائه نشدند.</p>			

روش تحقیق

این مطالعه بصورت میدانی و با استفاده از تکنیک مصاحبه در قالب پرسشنامه محقق ساخته به انجام رسیده و نتایج آن به وسیله نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها

پس از طراحی ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه) همواره دو سؤال اساسی مطرح باشد که عبارتند از:

اول / «ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد؟» پاسخ به این سؤال روایی یا اعتبار^۱ ابزار را نشان می‌دهد. از جمله روش‌های دستیابی به روایی و اعتبار ابزار می‌توان به اعتبار محتوا، اعتبار ملاکی و اعتبار سازه اشاره کرد.

دومین دغدغه‌ای که برای پژوهشگران در تحقیقات میدانی مطرح است این است که: «ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی را به دست خواهد داد؟» پاسخ به این سؤال، پایایی یا اعتماد^۲ ابزار را نشان خواهد داد (سرمد؛ بازرگان؛ حجازی، ۱۳۷۶: ۱۷۳-۱۷۰).

ما نیز در این پژوهش برای پاسخ به این دغدغه‌ها با انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه در یک نمونه ۵۱ نفره نسبت به انجام آزمون‌های آماری و سنجش اعتبار و اعتمادپذیری ابزار سنجش اقدام نمودیم. مشخصات دموگرافیک پاسخگویان به شرح زیر بوده است:

-
1. Validity
 2. Reliability

جدول ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۲۷	۵۲.۹
زن	۲۴	۴۷.۱
جمع	۵۱	۱۰۰.۰

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب گروه‌های سنی

سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۲۰ - ۲۵ سال	۱۲	۲۳.۵	۲۳.۵
۲۶ - ۳۰ سال	۱۶	۳۱.۴	۵۴.۹
۳۱ - ۴۰ سال	۹	۱۷.۶	۷۲.۵
۴۱ - ۶۰ سال	۱۴	۲۷.۵	۱۰۰
جمع	۵۱	۱۰۰.۰	

جدول ۵- توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت	فراوانی	درصد
مجرد	۲۲	۴۳.۱
متأهل	۲۷	۵۲.۹
سایر	۲	۳.۹
جمع	۵۱	۱۰۰.۰

جدول ۶- توزیع پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
دیپلم و کمتر	۱۱	۲۱.۶
لیسانس	۲۴	۴۷.۱
حوزوی	۲	۳.۹
فوق لیسانس	۱۳	۲۵.۵
دکتر	۱	۲.۰
جمع	۵۱	۱۰۰.۰

پس از جمع آوری اطلاعات و بازبینی پرسشنامه‌ها و کُدگذاری سؤالات نسبت به recode کردن برخی از سؤالات و compute کردن بسیاری از آنها بر مبنای مدل‌های نظری ساخته شده در این تحقیق اقدام شد تا عملاً مقادیر مربوط به هر متغیر به سطح سنجش شبه فاصله‌ای ارتقاء یافته و بدین ترتیب زمینه لازم برای انجام آزمون‌های آماری فراهم آید.

❖ روایی (اعتبار) ^۱ ابزار سنجش رفاه ذهنی (احساس رفاه اجتماعی)

عموماً برای بررسی اعتبار پرسشنامه، از روش‌های گوناگون شامل: «روایی محتوایی»؛ «روایی ملاکی» (اعم از اعتبار ملاکی همزمان و اعتبار ملاکی پیش بین) و «روایی سازه» استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر نیز برای اطمینان از روایی ابزار سنجش، از همه روش‌های اعتبار سنجی (بویژه اعتبار سازه‌ای که با استفاده از روش تحلیل عاملی به انجام می‌رسد) بهره گرفته شد:

۱- روایی محتوایی^۱: این روش به طور کلی، متضمن بررسی محتوای آزمون، بمنظور پاسخ به این سؤال است که آیا آزمون (و معرف‌های بکار برده شده در آن) برای

سنجش متغیرها مناسب هست یا نه؟ و نیز روایی محتوایی متضمن پاسخ به این سؤال هم هست که: آیا آزمون قادر است همه حوزه معنایی مفاهیم مورد نظر در تحقیق را پوشش دهد یا نه؟

مهمترین و متداول‌ترین نوع اعتبار محتوا، اعتبار صوری^۲ است. اعتبار محتوایی ابزار آزمون (از نوع اعتبار محتوایی صوری) نخست بر دقت در تدوین چارچوب نظری و تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق استوار است. در این تحقیق سعی شده است که از منابع معتبر علمی استفاده شود و برای تعریف نظری و عملیاتی هر معرف و مفهوم دهها منبع معتبر علمی مورد مطالعه و کنکاش قرار گرفته است. همچنین در وهله بعد، روایی پرسشنامه از حیث محتوا موکول به ششم عام و تجربه محقق و تأیید صاحب نظران و متخصصین حوزه رفاه اجتماعی است، برای حصول اطمینان از اعتبار محتوایی پرسشنامه این تحقیق، علاوه بر اظهار نظر اساتید راهنما، مشاور و داور طرح تفصیلی این طرح، چندین نفر از اساتید علوم اجتماعی اعتبار محتوایی ابزار سنجش را تأیید کردند.

(۲) روایی ملاکی^۳ (اعتبار وابسته به معیار): این نوع اعتبار، شاخص کارآمدی آزمون در پیش‌بینی رفتار فرد در موقعیت‌های خاص است (آناستازی، ۱۳۶۱: ۱۵۳؛ به نقل از صفری و حبیب پور، ۱۳۹۰: ۳۰۰). اعتبار ملاکی بر دو نوع است: اعتبار ملاکی همزمان و اعتبار ملاکی پیش‌بین. در اعتبار ملاکی همزمان - که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است - در واقع، همزمان با سنجش وضعیت و رفتار فرد از طریق ابزار آزمون؛ وضعیت و رفتار واقعی پاسخگو از طریق خود ارزیابی او یا سایر روش‌ها مورد سنجش قرار گرفته و نتایج هر دو بررسی با یکدیگر مقایسه می‌شود و چنانچه نتیجه حاصل از اندازه‌گیری وضعیت فرد از طریق ابزار اندازه‌گیری - پرسشنامه - با وضعیت واقعی او که در اینجا بعنوان «ملاک» در نظر گرفته می‌شود مطابقت داشت،

-
1. Content Validity
 2. face validity
 3. Criterion - related Validity

یعنی از نظر آماری همبستگی بیش از ۰/۶۵ را نشان داد (اعم از همبستگی مثبت، که بیانگر رابطه مستقیم بین دو متغیر است و یا همبستگی منفی، که بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است)، نتیجه گرفته می‌شود که ابزار سنجش دارای اعتبار ملاکی از نوع همزمان است.

به منظور بررسی اعتبار ابزار آزمون از طریق ملاک همزمان، میزان احساس رفاه پاسخگویان یک بار در قالب یک طیف ۵ قسمتی (از کاملاً مرفه تا کاملاً غیرمرفه) از پاسخگویان مورد سؤال قرار گرفت و همچنین، میزان احساس رفاه پاسخگویان بطور غیرمستقیم از طریق گویه‌ها و پرسش‌های طراحی شده بر مبنای مدل نظری استخراج گردید و نتایج آن با خود ارزیابی رفاهی پاسخگویان مورد آزمون آماری معناداری (خی‌دو) و آزمون ضریب همبستگی قرار گرفت.

جداول زیر نتیجه بررسی‌های آماری در خصوص معنی‌داری رابطه بین احساس رفاه اندازه‌گیری شده و احساس رفاه ابراز شده توسط خود پاسخگویان و نیز شدت رابطه بین آنها را نشان می‌دهد:

میزان رفاه اعلام شده توسط خود پاسخگو * میزان رفاه برآورد شده					
Crosstabulation					
		میزان رفاه برآورد شده			جمع کل
		کم	متوسط	زیاد	
میزان رفاه اعلام شده توسط خود پاسخگو	تا حد کمی رفاه دارم	۵	۶	۰	۱۱
		%۶۲.۵	%۱۷.۶	%۰.۰	%۲۱.۶
	تا حدودی احساس رفاه می‌کنم	۲	۲۴	۵	۳۱
		%۲۵.۰	%۷۰.۶	%۵۵.۶	%۶۰.۸
	تا حد زیادی مرفه هستم	۱	۴	۴	۹
		%۱۲.۵	%۱۱.۸	%۴۴.۴	%۱۷.۶
جمع کل		۸	۳۴	۹	۵۱
		%۱۰۰.۰	%۱۰۰.۰	%۱۰۰.۰	%۱۰۰.۰

Chi-Square Tests			
	Value	df	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square	15.110 ^a	4	.004
Likelihood Ratio	14.411	4	.006
Linear-by-Linear Association	9.553	1	.002
N of Valid Cases	51		

براساس جدول فوق و با عنایت به مقدار «خی دو» با درجه آزادی ۴ با فرض دو دامنه بودن، درسطح بیش از ۹۵٪ می‌توان اطمینان داشت که رابطه بین این دو متغیر ناشی از تصادف و خطای نمونه‌گیری نبوده و تفاوت مشاهده شده در بین پاسخگویان از حیث میزان احساس رفاه آنها با استفاده از ابزار سنجش و میزان رفاه خودابرازی ایشان یک رابطه واقعی است و در جامعه آماری نیز قابل مشاهده خواهد بود. ضمن اینکه شدت رابطه بین این دو متغیر (یعنی احساس رفاه محاسبه شده توسط ابزار سنجش و میزان رفاه اجتماعی افراد براساس اعلام خودشان) نیز با استفاده از ضریب همبستگی گاما (که رایج‌ترین آماره درجایی است که هر دو متغیر ترتیبی هستند (دواس. ۱۳۸۳: ۱۷۰) به میزان ۰/۶۷۹ مورد محاسبه قرار گرفته و جهت آن نیز مثبت است. با توجه به مطالب بالا نتیجه می‌گیریم که ابزار سنجش احساس رفاه اجتماعی، از اعتبار ملاکی همزمان برخوردار است.

۳) روایی سازه‌ای^۱: اعتبار سازه بیان می‌کند نتایج بدست آمده از کاربرد یک ابزار اندازه‌گیری، تاچه حد با نظریه‌هایی که آزمون برمحور آنها تدوین شده است، تناسب دارد. به عبارتی، در اینجا محقق درصدد آزمون انطباق بین سازه نظری و سازه تجربی تحقیق می‌باشد. روش آماری ایی که برای نیل به این اهداف در نرم افزار spss تعریف شده، روش تحلیل عاملی است که یکی از متداول‌ترین روش‌ها جهت تعیین میزان اعتبار سازه در ابزار سنجش می‌باشد (حبیب پور و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۳۰۴).

1. constructive validity

با استفاده از روش تحلیل عاملی در عین حالی که می‌توان تناسب بین ابزار سنجش و سازه نظری تحقیق را بررسی کرد، عملاً می‌توان گویه‌ها و شاخص‌های مفیدتر را شناسایی و نسبت به حذف گویه‌های نامناسب به منظور ارتقاء تناسب آماری میان سازه نظری و تجربی نیز اقدام کرد.

شایان ذکر است که تصمیم‌گیری در خصوص حذف یا ابقاء گویه‌ها یک تصمیم‌گیری چند لایه است به نحوی که حذف یا ابقاء یک گویه بطور همزمان باید هم منجر به ترکیب بهینه شاخص‌ها در تحلیل عاملی شده موجب کاهش تعداد گویه‌ها و ارتقاء سهم عامل‌ها در تبیین متغیر گردد و هم در عین حال از پایایی پرسشنامه نکاهد چه اینکه برای ارتقاء پایایی پرسشنامه در اغلب منابع علم آمار بر زیاد بودن تعداد گویه‌ها و تعداد نمونه تأکید می‌شود.

با عنایت به مراتب بالا و با در نظر گرفتن بهینه‌ترین حالت از حیث بالا بودن همبستگی داخلی میان گویه‌ها در تحلیل عاملی و در عین حال، بالا بودن ضریب آلفای کرونباخ و عدم کاهش همبستگی میان خود ارزیابی پاسخگویان در زمینه احساس رفاه، مراحل ارزیابی اعتبار پرسشنامه بر مبنای روش تحلیل عاملی و ارزیابی پایایی پرسشنامه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ، بصورت چند مرحله‌ای به انجام رسید که در اینجا سعی می‌شود در عین رعایت اختصار، نتایج این بررسی‌ها تشریح گردد.

• تحلیل عاملی متغیر «احساس رفاه»:

برای تشخیص اینکه در درجه اول هر کدام از گویه‌ها چقدر قادر است که شاخص مورد نظر را تبیین نماید ابتدا به تحلیل عاملی گویه‌های مربوط به هر شاخص پرداختیم. اقدامات مربوط به این مرحله نشان داد که اکثر گویه‌ها و سؤالات طراحی شده برای اندازه‌گیری شاخص‌های مورد نظر از اعتبار لازم آماری برخوردار بودند و سؤالات و گویه‌هایی که فاقد همبستگی لازم (کمتر از ۰/۵) با سایر گویه‌ها بودند از متن

پرسشنامه حذف گردیدند (در اینجا برای رعایت اختصار از ذکر آماره‌های محاسبه شده برای تک تک گویه‌ها و شاخص‌ها خودداری می‌کنیم).

در مرحله بعد برمبنای شاخص‌های اصلاح شده به تحلیل عاملی متغیر اصلی تحقیق (احساس رفاه) پرداختیم تا عملاً مشخص شود که آیا سازه تجربی محقق ساخته از نظر آماری قادر است که سازه نظری تحقیق را پوشش داده و آنرا به درستی اندازه‌گیری نماید؟ و به عبارتی این فرض را بررسی کردیم که آیا شاخص‌های محقق ساخته (که هریک بوسیله یک سلسله سؤال و گویه معتبر مورد سنجش قرار می‌گیرند) در ساخت احساس رفاه اجتماعی پاسخگویان با یکدیگر همبستگی لازم را دارند یا خیر و اینکه در نهایت متغیر احساس رفاه را بوسیله چندعامل می‌توان مورد اندازه‌گیری و محاسبه قرار داد.

نتایج تحلیل عاملی مؤلفه و شاخص‌های «احساس رفاه اجتماعی» در جداول زیر ارائه شده‌اند:

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.696
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	166.025
	df	36
	Sig.	.000

از آنجا که مقدار KMO بیش از $0/6$ بوده ($0/696$) و نتیجه آزمون بارتلت نیز در سطح خطای کوچک‌تر از $0/01$ معنی دار است، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌های تحقیق (مقادیر محاسبه شده توسط شاخص‌های محقق ساخته که در این آزمون قرار گرفتند) برای سنجش احساس رفاه معتبر بوده و ضمناً این شاخص‌ها قابل تقلیل به چند عامل می‌باشند.

Anti-image Matrices										
		سلامت جسمانی	عزت نفس	ترجیحات	استحقاق	مقایسه‌های نسبی	برابری	شادکامی و خوشبختی	امید به آینده	اعتماد و مقبولیت اجتماعی
Anti-image Covariance	سلامت جسمانی	۰.۰۵۷۱	-۰.۰۰۰۵	-۰.۱۲۵	-۰.۰۱۵	۰.۰۰۰۵	۰.۳۲	-۰.۱۷۴	۰.۱۴۴	۰.۰۸۹
	عزت نفس	-۰.۰۰۰۵	۰.۰۶۰	-۰.۰۵۱	-۰.۲۱	-۰.۰۱۱	-۰.۰۳۶	-۰.۰۸۴	-۰.۰۶۵	-۰.۱۰۹
	ترجیحات	-۰.۱۲۵	-۰.۰۵۱	۰.۰۲۵	-۰.۲۰۳	-۰.۱۶۹	۰.۰۸۸	-۰.۰۳۰	-۰.۰۴۲	۰.۰۲۵
	استحقاق	-۰.۰۱۵	-۰.۰۲۱	-۰.۲۰۳	۰.۰۵۹۴	۰.۰۲۴	-۰.۲۴۵	۰.۰۱۴	۰.۰۳۵	-۰.۱۰۸
	مقایسه‌های نسبی	۰.۰۰۰۵	-۰.۰۱۱	-۰.۱۶۹	۰.۰۲۴	۰.۰۵۹۷	-۰.۱۷۹	-۰.۰۷۳	۰.۱۴۱	-۰.۱۵۵
	برابری	۰.۰۳۲	-۰.۰۳۶	۰.۰۸۸	-۰.۲۴۵	-۰.۱۷۹	۰.۰۵۷۹	۰.۱۱۹	-۰.۱۱۲	-۰.۰۵۲
	شادکامی و خوشبختی	۰.۰۱۷۴	-۰.۰۸۴	-۰.۰۳۰	۰.۰۱۴	-۰.۰۷۳	۰.۱۱۹	۰.۲۴۲	-۰.۱۹۶	-۰.۰۷۹
	امید به آینده	۰.۱۴۴	-۰.۰۶۵	-۰.۰۴۲	۰.۰۳۵	۰.۱۴۱	-۰.۱۱۲	-۰.۰۱۹۶	۰.۳۹۴	-۰.۰۲۳
اعتماد و مقبولیت اجتماعی	۰.۰۸۹	-۰.۱۰۹	۰.۰۲۵	-۰.۱۰۸	-۰.۱۵۵	-۰.۰۵۲	-۰.۰۷۹	-۰.۰۲۳	۰.۰۵۷۳	
Anti-image Correlation	سلامت جسمانی	۰.۶۳۵ a	-۰.۰۰۸	-۰.۲۲۹	-۰.۰۲۶	۰.۰۰۸	۰.۵۵	-۰.۴۶۸	۰.۳۰۳	۰.۱۵۵
	عزت نفس	-۰.۰۰۸	۰.۹۰۸ a	-۰.۰۹۴	-۰.۰۳۶	-۰.۰۱۹	-۰.۰۶۴	-۰.۲۲۸	-۰.۱۳۹	-۰.۱۹۳
	ترجیحات	-۰.۲۲۹	-۰.۰۹۴	۰.۷۷۹ a	-۰.۳۶۳	-۰.۳۰۲	۰.۱۵۹	-۰.۰۸۵	-۰.۰۹۳	۰.۰۴۵
	استحقاق	-۰.۰۲۶	-۰.۰۳۶	-۰.۳۶۳	۰.۶۶۱ a	۰.۰۴۱	-۰.۴۱۸	۰.۰۳۸	۰.۰۷۲	-۰.۱۸۶
	مقایسه‌های نسبی	۰.۰۰۸	-۰.۰۱۹	-۰.۳۰۲	۰.۰۴۱	۰.۶۷۲ a	-۰.۳۰۴	-۰.۱۹۱	۰.۲۹۱	-۰.۲۶۶
	برابری	۰.۰۵۵	-۰.۰۶۴	۰.۱۵۹	-۰.۴۱۸	-۰.۳۰۴	۰.۴۹۶ a	۰.۳۱۹	-۰.۲۳۵	-۰.۰۹۰
	شادکامی و خوشبختی	-۰.۴۶۸	-۰.۲۲۸	-۰.۰۸۵	۰.۰۳۸	-۰.۱۹۱	۰.۳۱۹	۰.۶۵۹ a	-۰.۶۳۵	-۰.۲۱۱
	امید به آینده	۰.۳۰۳	-۰.۱۳۹	-۰.۰۹۳	۰.۰۷۲	۰.۲۹۱	-۰.۲۳۵	-۰.۶۳۵	۰.۶۰۱ a	-۰.۰۴۹
اعتماد و مقبولیت اجتماعی	۰.۱۵۵	-۰.۱۹۳	۰.۰۴۵	-۰.۱۸۶	-۰.۲۶۶	-۰.۰۹۰	-۰.۲۱۱	-۰.۰۴۹	۰.۸۲۵ a	

a. Measures of Sampling Adequacy (MSA)

مقدار آماره استخراج شده در ذیل جدول همبستگی این شاخص‌ها عدد ۰/۰۲۷ را نشان می‌دهد و چون این عدد بزرگتر از ۰/۰۰۰۰۱ است نشانگر آن است که داده‌های بدست آمده برای شاخص‌ها فاقد هم خطی بوده و کاملاً مستقل از یکدیگرند، درعین حالی که با یکدیگر همبستگی معنی داری دارند. (Determinant = 0.027).

همچنین مقادیر همبستگی دو به دو اجزاء (شاخص‌ها) که در قسمت پایینی جدول Correlation Matrix قابل مشاهده هستند بیانگر آن است که چون هیچیک از مقادیر همبستگی بیش از ۰/۸ نیست پس نیازی به حذف هیچیک از شاخص‌ها از سازه تجزیه نمی‌باشد. اما براساس نتایج قسمت پایینی جدول بالا (Anti-image Correlation Matrix) با توجه به اینکه مقدار MSA برای تمامی شاخص‌ها بیش از ۰/۵ است (البته بجز یک مورد که برابر ۰/۴۹۶ است و می‌توان از آن اغماض نمود) می‌توانیم نتیجه بگیریم که چندهم خطی بین شاخص‌ها وجود ندارد.

جدول زیر سهم هر یک از عامل‌ها در تبیین واریانس هر شاخص را نشان می‌دهد. همانطور که در این جدول ملاحظه می‌شود با عنایت به اینکه مقادیر همه شاخص‌ها در ستون Extraction بیش از ۰/۵ (ودراغلب موارد حتی بیش از ۰/۶) است بنابراین نتیجه می‌گیریم که همه شاخص‌های محقق ساخت‌های که در این آزمون شرکت داده شده‌اند برای سنجش متغیر مورد نظر (احساس رفاه اجتماعی) معتبر هستند.

Communalities

	Initial	Extraction
سلامت جسمانی	۱.۰۰۰	۰.۷۵۶
عزت نفس	۱.۰۰۰	۰.۶۴۶
ترجیحات	۱.۰۰۰	۰.۶۹۷
استحقاق	۱.۰۰۰	۰.۶۳۹
مقایسه‌های نسبی	۱.۰۰۰	۰.۶۰۰
برابری	۱.۰۰۰	۰.۷۳۸
شادکامی و احساس خوشبختی	۱.۰۰۰	۰.۸۶۵
امید به آینده	۱.۰۰۰	۰.۸۰۱
اعتماد و مقبولیت اجتماعی	۱.۰۰۰	۰.۶۲۱

جدول زیر که شاید یکی از مهمترین جداول تحلیل عاملی است نشان می‌دهد که ۳ عامل مجموعاً بیش از ۷۰٪ واریانس متغیر مورد نظر را تبیین می‌کنند که همگی این سه عامل دارای مقادیر ویژه بیش از ۱ هستند و مطابق معیار کیزر برای تشکیل عوامل مورد نظر متغیر وابسته مناسب تشخیص داده می‌شوند. براساس این جدول، عامل اول پس از چرخش به تنهایی ۲۷/۰۸۷٪ از واریانس متغیر را تبیین می‌کند و عامل‌های دوم و سوم به ترتیب ۲۳/۳٪ و ۲۰/۳۱۹٪ از واریانس را تبیین می‌نمایند.

Total Variance Explained

Component	Initial Eigenvalues			Extraction Sums of Squared Loadings			Rotation Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
1	3.443	38.257	38.257	3.443	38.257	38.257	2.438	27.087	27.087
2	1.809	20.098	58.355	1.809	20.098	58.355	2.097	23.300	50.387
3	1.112	12.352	70.706	1.112	12.352	70.706	1.829	20.319	70.706
4	.707	7.852	78.559						
5	.514	5.713	84.272						
6	.489	5.436	89.708						
7	.460	5.107	94.815						
8	.311	3.451	98.265						
9	.156	1.735	100.000						

داده‌های جداول بالا و نتایج حاصل از اجرای آزمون تحلیل عاملی بر روی شاخص‌هایی که برای سنجش احساس رفاه در نظر گرفته شده‌اند نشان می‌دهد که همه شاخص‌ها از اعتبار لازم برخوردار بوده پس ابزار سنجش دارای اعتبار (validity) لازم می‌باشد. ضمن اینکه جدول بالا تشخیص قبلی ما براساس نظریه‌ها را درخصوص

اینکه احساس رفاه اجتماعی را می‌توان در ۳ جنبه جستجو کرد تأیید می‌نماید. گذشته از اینکه نام این سه جنبه (سه عامل) چیست و هرکدام از شاخص‌ها در تشکیل هر یک از این سه عامل (سه جنبه) چه سهمی دارند، همینکه براساس آزمون‌های آماری این مسئله به تأیید رسید حاکی از انطباق سازه تجربی با سازه نظری این تحقیق است. پس ابزار سنجش احساس رفاه اجتماعی پس از اعمال اصلاحاتی که در قسمت‌های بالا بدان‌ها اشاره شد از اعتبار سازه‌ای لازم برخوردار است.

❖ پایایی (اعتماد پذیری)^۱ ابزار سنجش رفاه ذهنی (احساس رفاه اجتماعی)

روش‌های گوناگونی برای دستیابی به اعتماد و پایایی ابزار سنجش وجود دارد که در بین روش‌های مذکور، روش آلفای کرونباخ که تعمیم یافته روش کودر ریچاردسون است، مهم‌ترین و پُرکاربردترین روش محاسبه پایایی ابزار اندازه‌گیری است. در این روش می‌توان گویه‌هایی را شناسایی کرد که با حذف آنها سطح ضریب آلفای کرونباخ افزایش می‌یابد و در نهایت چنانچه ضریب محاسبه شده که بر مبنای همبستگی درونی سؤالات محاسبه می‌شود، بیش از ۰/۷ بود می‌توان نتیجه گرفت که ابزار دارای پایایی لازم است و هرچه بر این مقدار افزوده گردد بر سطح اعتماد به ابزار سنجش نیز افزوده می‌شود.

چنانچه پیشتر اشاره شد برای اندازه‌گیری احساس رفاه پاسخگویان حدود ۶۶ سؤال در پرسشنامه طراحی شده بود که ۵ سؤال از آنها براساس نتیجه آزمون تحلیل عاملی از پرسشنامه حذف شدند. و در فرآیند بررسی پایایی مقیاس سنجش احساس رفاه نیز تعداد ۱۴ سؤال دیگر حذف و نهایتاً ابزار سنجش احساس رفاه با ۴۷ سؤال و گویه و با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵۶ مورد تأیید قرار گرفت. در زیر نتایج محاسبات ضریب آلفای کرونباخ مربوط به مقیاس اندازه‌گیری احساس رفاه اجتماعی ارائه شده‌اند:

1. Reliability

Reliability Statistics		
Cronbach's Alpha	Cronbach's Alpha Based on Standardized Items	N of Items
.856	.886	47

همچنین، محاسبات نشان داد که حذفِ هیچیک از سؤالات باقی مانده در پرسشنامه نمی‌تواند اعتماد پذیری (ضریب آلفای کرونباخ) ابزار سنجش احساس رفاه را بیش از آنچه اکنون بدست آمده بالا ببرد. پس بدین ترتیب، پرسشنامه مربوط به سنجش احساس رفاه از حیث اعتماد پذیری با ۴۷ سؤال و گویه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

تاکنون اقدام بایسته‌ای در جهت ساخت شاخص برای سنجش رفاه ذهنی (احساس رفاه اجتماعی) به انجام نرسیده و ما در این تحقیق سعی کردیم اولین قدم را در این راه برداریم. نتایج بررسی‌های نظری ما نشان داد که احساس رفاه اجتماعی را می‌توان در سه جنبه در نظر گرفت و هریک از این جنبه‌ها را نیز به وسیله تعدادی مؤلفه تبیین نمود و هریک از این مؤلفه‌ها را نیز می‌توان به وسیله تعدادی گویه مورد سنجش میدانی قرار داد.

نتایج تحلیل‌های آماری در خصوص روایی و پایایی ابزاری که بر مبنای این کوشش علمی برای سنجش «احساس رفاه اجتماعی» ساخته شده بود در یک جامعه آماری نمونه نشان داد که:

۱- ابزار ساخته شده (پس از حذف گویه‌های نامناسب) با تکیه بر تمامی روش‌های اعتبار سنجی، از اعتبار علمی لازم برای اندازه‌گیری میزان احساس رفاه اجتماعی مردم برخوردار است و نتایج بررسی‌های میدانی‌ایی که بوسیله این ابزار به

انجام خواهند رسید به واقع قادر خواهد بود که با اطمینان بالا، دقیقاً «احساس رفاه اجتماعی» پاسخگویان را اندازه‌گیری نماید.

۲- ابزار ساخته شده (پس از حذف گویه‌های نامناسب) با تکیه بر روش‌های اعتماد سنجی، قابلیت تکرار پذیری داشته و از پایایی لازم برای انجام پژوهش‌های میدانی به منظور سنجش احساس رفاه اجتماعی مردم برخوردار است.

منابع

- توسلی، غلام عباس. (۱۳۷۹)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، انتشارات سمت، چاپ هفتم.
- درونوفسکی، یان. (۱۳۵۵)، *کیفیت زندگی اندازه‌گیری و برنامه‌ریزی آن*، ترجمه: سازمان برنامه و بودجه (با مقدمه احمد اشرف)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- دی. ای، دواس. (۱۳۸۳)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ نایی، نشر نی، چاپ پنجم.
- سرمد، زهره؛ عباس بازرگان؛ الهه حجازی. (۱۳۷۶)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، نشر آگه.
- صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸)، *راهنمای تدوین طرح تحقیق*، چاپ دوم، انتشارات جامعه و فرهنگ.
- فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۸)، *آزمون‌های روان‌شناختی - ارزشیابی شخصیت و سلامت روان*، انتشارات بعثت.
- فیتز پتریک، تونی. (۱۳۸۵)، *نظریه‌های رفاه جدید*، ترجمه: همایون پور، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۳)، *نظریه رفاه*، ترجمه: هرمز همایون پور، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

- گنجی، حمزه. (۱۳۸۰)، *ارزشیابی شخصیت*، نشر ساوالان.
- لطیفی، غلامرضا. (۱۳۸۹)، *مبانی برنامه‌ریزی و سیاست اجتماعی*، نشر جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی.
- مازلو، آبراهام، اچ. (۱۳۶۷)، *انگیزش و شخصیت*، احمد رضوانی، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- مدنی، سعید. (۱۳۷۹)، *به سوی نظام جامع رفاه اجتماعی*، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- منیعی کلجاهی، امید. (۱۳۹۰)، بررسی تأثیرات درآمد، سلامت و تحصیلات بر سطح رضایتمندی از زندگی در ایران، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، راهنما: حسین اصغری‌پور، مشاور: محمدباقر بهشتی، دانشگاه تبریز.
- موسوی، میر طاهر؛ محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۸)، *مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی*، نشر دانژه.
- هزارجریبی، جعفر؛ رضا صفری شالی. (۱۳۹۱)، *آناتومی رفاه اجتماعی*، انتشارات جامعه و فرهنگ.

- Andrews, F. (1976). *social indicators of Well-being*, plenum press.
- Argyle, M. (2001). *The Psychology of Happiness*. London. Routledge.
- Barry, Norman (1999). *Welfare*, Backingham, Open University Prees.
- Enrique Colón-Bacó , (2010). *The Strength of Religious Beliefs is Important for Subjective Well-Being*, Produced by The Berkeley Electronic Press , Boston College.
- Lal Basu,R. (2005). *Why the human development index dose not measure up to ancient Indian standards* , The Bulletin of The Senter For East – West Cultur and Economic Studies , Vol 6 , NO2. Bond University, Queensland, Australia

- Land , K. (1983). *Social Indicators* , Annual Review of Sociology , Vol 9 , New York.
- Mahbub-ul Hagh. (1971). *Employment and income distribution in the 1970: A new prespective*,Development Digest, Department of Economics, University of the Punjab